مهدویت

و مذاهب اسلامی

غلامحسین زینلی

بسم الله الرحمن الرحیم

مهدویت و مذاهب اسلامی

نویسنده:

غلامحسین زینلی

ناشر چاپی:

مجله حوزه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مهدویت و مذاهب اسلامی

مشخصات کتاب

نوع: مقاله

پدیدآور: زینلی، غلامحسین

عنوان و شرح مسئولیت: مهدویت و مذاهب اسلامی [منبع الکترونیکی] / غلامحسین زینلی

توصیف ظاهری: ۱ متن الکترونیکی: بایگانی HTML؛ داده های الکترونیکی (۱۳ بایگانی: ۶۰.۲KB)

موضوع: مهدویت

محمد بن حسن(عج)، اما دوازدهم، ۲۵۵ق.-

مقدمه

پیروان مـذاهب مختلف اسـلامی بـا همهِ اختلاف‌هایی که در زمینه‌های دیگر اعتقادی با یکـدیگر دارنـد، در این مسـئله متحدنـد که آیندهِ بشـریت و امّت بزرگ اسـلامی، سـرانجام به حکومت جهانی مهدی موعود منتهی خواهد شد. آنان با وجود این که در کلیات مسئلهِ مهدویت با هم مشترکند، در جزئیات این مسئله میانشان اختلاف نظر وجود دارد. این قضیه به مذاهب گوناگون محدود نشده، بلکه گاه در میان پیروان یک مـذهب نیز این تفاوت‌ها به چشم می‌خورد.تنها مـذهبی که از این درگیری برکنار مانده و میان پیروان آن در مسایل مهدویت اختلاف چندانی دیده نمی‌شود، مذهب شیعهِ دوازده امامی است. در این نوشتار نظر خوانندگان گرامی را به مواردی از مشترکات و تفاوت‌های مذاهب اسلامی در مسئلهِ مهدویت جلب می‌کنم.

نقاط اشتراک

پیروان مـذاهب اسـلامی در زمینهِ مهدویت در چند اصل دارای وحدت نظرند:۱. مهـدی هم نام پیامبر: نام مهـدی همانند نام مبارک پیامبر اکرم (ص) است؛لا تقوم الساعَهُ حتی یلی رَجُل من اهل بیتی یواطیء اسمه اسمی. [۱] .قیامت به پا نخواهد شد تا آن که مردی از اهل بیت من فرا رسد که نام او همانند نام من است.۲. مهدی از اهل بیت: به تصریح احادیث رسول خدا (ص) مهدی از اهل بیت آن حضرت است؛لو لم یبق من الدهر الاّ یوم لبعث اللّه رجلًا من اهل بیتی یملاها عدلاً کما ملئت جوراً. [۲] .اگر باقی نماند از جهان جز یـک روز، به طور حتم خداونـد مردی از اهـل بیت مرا برمی‌انگیزد تـا جهـان را از عـدل پُر سازد همان گونه که از ظلم پُر شـده باشد.۳. مهـدی فرزنـد فـاطمه (س):«المهـدی حق و هو من ولـد فـاطمه؛مهـدی حق است و او از فرزنـدان فـاطمه است.» [۳] .۴. قیام ناگهانی و پیروزی سـریع: مقدمات قیام مهدی به سرعت فراهم می‌شود و پیروزی او سریع خواهد بود؛المهدی منّا اهل البیت، یصلحه اللّه فی لیله. [۴] .مهـدی از ما اهل بیت است. خداونـد مقـدمات قیام و پیروزی او را در مـدت کوتاهی فراهم خواهـد کرد.۵. فزونی ستم پیش از قیام مهـدی: پیش از قیام مهـدی، جهان را نابرابری و سـتم فرا خواهد گرفت؛لا تقوم الساعه حتی تمتلیء الارض ظلماً و عـدوانا، ثم یخرج رجل من عترتی.... [۵] .قیـامت به پا نمی‌گردد تا آن که زمین از سـتم و تجاوز پر شود. سـپس مردی از عترت من قیام می‌کند...۶. قیام دادگستر: امام مهدی با قیام خود عدالت را در سراسر جهان حاکم خواهد ساخت؛«فیملا الارض قسطاً و عدلاً... سپس زمین را از عـدل و داد پر می‌سازد.» [۶] .۷.عُمران و آبادانی در عصـر حکومت مهـدی:... فیبعث اللّه رجلًا من عترتی من اهل بیتی فیملا به الارض قسطاً... یرضی عنه ساکن السماء و ساکن الارض، لاتدع السماء من قطرها شیئاً الا صبّتهُ مدراراً و لاتدع الارض

من مائها شیئاً الا اخرجتهُ، حتی تتمنی الاحیاءُ الاموات. [۷] .... پس خداوند مردی از اهل بیتم را بر می‌انگیزد و جهان را بدست او از عدل و داد پُر می‌سازد.... چنان که ساکنان آسمان و زمین از او راضی می‌شوند. آسمان قطرات باران را پی در پی بر زمین می‌ریزد و زمین آب‌های نهفته در خود را بیرون می‌سازد، چنان که زنده‌ها آرزو می‌کنند که مردگان زنده شوند.۸.نمونهِ کامل مردم سالاری دینی: در احادیث رسول خدا آمده است که مهدی در حکومت خود رضایت خاطر مردم را جلب می‌کند؛ به گونه‌ای که نه تنها ساکنان زمین، بلکه اهل آسمان نیز از حکومت او رضایت خواهند داشت؛«یرضی بخلافته اهل السماء و اهل الارض...» [۸] .۹. فزونی نعمت:یخرج رجل من امتی یعمل بسنتی، ینزل اللّه له البرکه من السماء، و تخرج له الارض برکتها... [۹] .مردی از امتم قیام نموده و بر اساس سنت من عمل می‌کند. خداوند برکات خود را از آسمان بر او فرو می‌فرستد و زمین برکات خود را برای او خارج می‌سازد.تنعم امتّی فی زمن المهدی نعمه لم ینعموا مثلها قطّ.... [۱۰] .و امتم در عصر حکومت مهدی از نعمت‌هایی بهره‌مند می‌شود که پیش از آن هرگز از چنان نعمت‌هایی برخوردار نبوده است.۱۰. بخشش‌های بی‌شمار:یخرج فی آخر الزمان خلیفه یعطی المال بغیر عدد. [۱۱] .در آخر الزمان خلیفه‌ای قیام می‌کند که اموال را بدون آن که بشمارد، می‌بخشد.۱۱. مقتدای مسیح:فرود آمدن مسیح و نماز گزاردن وی پشت سر مهدی (ع) رخدادی است که مذاهب اسلامی بر آن اتفاق نظر دارند.منّا الذی یصلّی عیسی بن مریم خلفَهُ. [۱۲] .از ماست کسی که عیسی بن مریم پشت سر او نماز می‌گزارد.۱۲. مکان بیعت:با مهدی در کنار خانهِ کعبه، میان رکن و مقام بیعت خواهد شد؛«یُبایَع المهدی بین الرکن و المقام...» [۱۳] .

نقاط افتراق

نمونه هایی از اختلافات مذاهب در مسئلهِ مورد نظر این گونه است:۱. شخصی یا نوعی بودن مهدی: یعنی شخصیتی معین و شناخته شده است یا شخصیتی غیر معین و ناشناخته که با این نام و اوصاف خواهد آمد، در میان دانشمندان اهل سنت اختلاف است. بسیاری از آنان مهدویت را نوعی دانسته و گفته‌اند: پس از این در آخرالزمان، در زمانی نامشخص، فردی نامعیّن، از پدر و مادری ناشناخته، با این نام و اوصاف متولد خواهد شد و انجام وظیفه خواهد کرد. [۱۴] .شماری از آنان نیز همانند شیعهِ امامیه مهدی را شخصی؛ یعنی فردی شناخته شده و معین می‌دانند و معتقدند او پیش از این متولد شده و هم اکنون به زندگی خود ادامه می‌دهد.از جمله‌اند: مسعودی [۱۵] ، محی‌الدین عربی [۱۶] ، ابن طلحهِ شافعی [۱۷] ، سبط ابن جوزی [۱۸] ، گنجی شافعی، [۱۹] ابراهیم بن محمد جوینی شافعی [۲۰] ، ابن صباغ مالکی [۲۱] ، عبدالوهاب شعرانی [۲۲] ، قرمانی حنفی [۲۳] ، و حنفی قندوزی. [۲۴] .۲. ولادت: در ولادت حضرت مهدی میان اهل سنت اختلاف است. بسیاری از آنان بر این باورند که مهدی هنوز متولد نشده است، بلکه در آخرالزمان زاده می‌شود و رسالت الهی خویش را به انجام خواهد رسانید. [۲۵] .شماری از آنان نیز همانند شیعهِ امامیه معتقدند که مهدی (عج) متولد شده و به زندگی خود ادامه می‌دهد تا روزگار قیامش فرا رسد. (اندکی پیش، از برخی از آنان یاد شد).۳. سال ولادت: در سال ولادت حضرت مهدی (ع) میان آن دسته از دانشمندان اهل سنت که ولادت مهدی را پذیرفته‌اند، اختلاف‌هایی روی داده است. بسیاری از آنان همانند دانشمندان شیعهِ امامیه، سال ولادت حضرت را ۲۵۵ هجری دانسته‌اند. مانند: مسعودی [۲۶] ، ابن اثیر [۲۷] ، ابن عربی [۲۸] ، سبط ابن جوزی حنفی [۲۹] ، صلاح الدین صفدی [۳۰] ، ابن صباغ مالکی [۳۱] ، ابن طولون دمشقی [۳۲] ، ابن حجر مکی [۳۳] ، ابن عماد حنبلی [۳۴] ، محمد امین بغدادی. [۳۵] .برخی نیز ولادت وی را در سال ۲۵۸ هجری دانسته‌اند. مانند: عبداللّه بن محمد مفارقی [۳۶] ، ابن طلحهِ شافعی [۳۷] ، دیار بکری [۳۸] و....۴. ماه ولادت: ماه ولادت مهدی موعود نیز نزد معتقدان به ولادت آن حضرت تا حدودی مورد اختلاف واقع شده است.برخی ولادت حضرت را در نهم ربیع‌الاول دانسته‌اند. مانند عبداللّه بن محمد مفارقی. [۳۹] .شماری ولادت وی را در بیست و سوم رمضان دانسته‌اند، مانند: ابن طلحه شافعی [۴۰] و دیاربکری. [۴۱] .ولی بیش‌تر معتقدان به ولادت از میان دانشمندان اهل سنت، همانند دانشمندان شیعه، ولادت آن

حضرت را در ماه شعبان دانسته‌اند.۵. روز ولادت: روز ولادت پیشوای موعود نیز مورد اختلاف است. اکثر قریب باتفاق معتقدانِ به ولادت مهدی از پیروان مذاهب مختلف، روز ولادت آن حضرت را روز نیمهِ شعبان دانسته‌اند. شماری نیز، هشتم شعبان، بیست و سوم رمضان، و نهم ربیع‌الاول را روز ولادت گفته‌اند.۶. پدران مهدی: در این که مهدی از نسل کدام‌یک از فرزندان علی (ع) و فاطمه (س) است، حسن (ع) یا حسین (ع)، میان اهل سنت اختلاف است. برخی آن حضرت را از نسل امام حسن (ع) [۴۲] و بسیاری از نسل امام حسین (ع) [۴۳] دانسته‌اند.در این گیرودار برخی از طرفداران دودمان عباسی نیز با جعل احادیثی کوشیده‌اند چنین وانمود کنند که مهدی از نسل عباس است. [۴۴] .۷. نام پدر مهدی: دربارهِ نام پدر حضرت مهدی نیز اختلاف وجود دارد. شماری از دانشمندان سنی، همانند عالمان شیعهِ امامیه، نام پدر مهدی را «حسن» و آن حضرت را فرزند امام حسن عسکری (ع) دانسته‌اند. [۴۵] برخی نیز بر اساس زایده‌ای که در یک حدیث [۴۶] وجود دارد، نام پدر آن حضرت را همانند نام پدر رسول اکرم (ص) «عبداللّه» دانسته‌اند. [۴۷] .دانشمندان شیعهِ امامیه در همهِ موارد گذشته متحد و هماهنگ، بدون هیچ اختلافی از عصر ولادت حضرت تا کنون همین یک نظر را بیان کرده‌اند. اینان مهدویت را شخصی، مهدی را از نسل حسین (ع) و فرزند امام حسن عسکری (ع)، سال تولد او را ۲۵۵ ه، ماه تولد را شعبان و روز تولد را پانزدهم شعبان دانسته‌اند. [۴۸] .

مهدی، شخصی یا نوعی

چنان که پیش‌تر اشاره شد، دانشمندان اهل سنت در بحث مهدویت به دو دسته تقسیم شده‌اند. بیش‌تر آنان، مهدی مطرح شده در احادیث رسول خدا را - که پیامبر بشارت آمدن او را در آخر الزمان داده‌اند - شخصی ناشناخته و نامعین دانسته‌اند. اینان معتقدند مهدی هنوز زاده نشده و پس از این در آخرالزمان، در زمانی نامعیّن از پدر و مادری ناشناخته، زاده می‌شود و در زمانی نامشخص قیام خواهد کرد و اوضاع نابسامان جهان را سامان خواهد داد. اینان بر این باورند که مهدویت مسئله‌ای نوعی است نه شخصی. به عبارت دیگر، مهدی شخص خاص، فرزند پدر و مادری شناخته شده و دارای تاریخ تولدی مشخص نیست، بلکه فردی است به این نام اما نامعلوم، از پدر و مادری ناشناخته و دارای تاریخ تولدی نامشخص. در مقابل، شماری از آنان نیز به مهدویت شخصی معتقدند و بر این باورند که مهدی، شخصی است شناخته شده و معیّن، او زاده شده و جهان از فیض وجود او بهره‌مند است. معتقدان به شخصی بودن مهدویت، مصداق بشارت‌های رسول خدا دربارهِ مهدی را همان مهدی موعود، فرزند امام حسن عسکری (ع) دانسته‌اند. این دسته از دانشمندان اهل سنت، در بحث شخصی بودن مهدی تا اندازهِ زیادی با دانشمندان شیعه هم عقیده‌اند.

مهدویت شخصی و دلایل آن

اشاره

در بررسی احادیث مهدی و اسناد و مدارک دیگر اسلامی، به دلایل و شواهدی برمی‌خوریم که از میان دو قول گذشته، نظر دوم؛ یعنی مهدویت شخصی را تأیید می‌کند. شماری از دلایل مورد نظر چنین است:

حدیث خلفای اثنا عشر

صحابی رسول خدا (ص) جابر بن سمره از آن حضرت نقل می‌کند که فرمود:لایزال الدین قائماً حتی تقوم الساعهُ او یکون علیکم اثنا عشر خلیفه کلهم من قریش. [۴۹] .همواره دین پابرجاست تا آن که قیامت فرا رسد یا دوازده نفر خلیفه بر شما خلافت کنند که همگیِ آنان از قریشند.یکون لهذه الامه اثنا عشر خلیفه کلهم من قریش. [۵۰] .برای این امّت دوازده نفر خلیفه وجود خواهند داشت

که همگی آنان از قریشند.همان گونه که می‌بینید، خلفای امت اسلامی و جانشینان رسول خدا دوازده نفرند، آنان خلفای کل امتند و همگی آنان از قریشند.شماری از دانشمندان اهل سنت به صراحت حضرت مهدی را یکی از خلفای دوازده‌گانهِ مورد نظر رسول خدا در حدیث یاد شده دانسته‌اند. از آن جمله‌اند: ابی داود سجستانی [۵۱] ، جلال الدین سیوطی [۵۲] ، ابن کثیر [۵۳] ، شیخ سلیمان حنفی قندوزی [۵۴] ، و....حدیث خلفای اثنا عشر چنان‌که دیدیم دارای ویژگی‌هایی است که آن ویژگی‌ها جز بر امامان دوازده‌گانهِ اهل بیت رسول خدا (ص) بر کس دیگری قابل تطبیق نیست؛ چرا که به جز امامان معصوم، هیچ گروهی را در میان امت اسلامی نمی‌شناسیم که برای آنان ادعای خلافت شده باشد.، خلفای پیامبر باشند، همگی آنان از قریش باشند، تعدادشان دوازده نفر باشد، خلفای کل امت اسلامی باشند و جهان هیچ‌گاه از وجود یکی از آنان خالی نباشد.افزون بر حدیث امامان اثناعشر و اظهارات دانشمدان اهل سنت، شخص رسول خدا نیز در احادیث دیگری به صراحت حضرت مهدی را یکی از خلفای امت اسلامی معرفی کرده است. به نظر می‌رسد اقدام دانشمندان یاد شده در تعیین مهدی به عنوان یکی از مصادیق خلفای اثناعشر برگرفته از این احادیث باشد.من خلفائکم خلیفه یحثو المال حثیاً لا یعدّه عدداً. [۵۵] .یکی از خلفای شما خلیفه‌ای است که اموال را می‌بخشد بدون آن که آن را بشمارد.یکون فی آخر امتی خلیفه یحثی المال حثیاً لا یعدّه عدداً. [۵۶] .در پایان دوران امتم خلیفه‌ای خواهد بود که اموال را می‌بخشد بدون آن که آن را بشمارد.و به شهادت تاریخ صحیح، از سلسلهِ امامان دوازده‌گانه، دوران امامت یازده نفر آنان تا میانه‌های سدهِ سوم هجری قمری پایان یافته است و اکنون دوران امامت دوازهمین امام از سلسلهِ امامان معصوم یعنی حضرت مهدی موعود (ع) است. لازمهِ احادیث بالا و سخن آن دسته از عالمان اهل سنت که حضرت مهدی (ع) را جزء خلفای دوازده گانهِ رسول خدا (ص) دانسته‌اند، پذیرفتن مهدویت شخصی است نه نوعی.

اولی الامر

قرآن کریم به صراحت در آیه ۵۹ سورهِ نساء اعلام می‌دارد در هر عصری تا قیامت، برای مؤمنانی که در آن عصر زندگی می کنند اولی‌الامر واجب الاطاعه‌ای وجود دارد که همهِ مؤمنان موظفند بدون هیچ قید و شرطی از اولی‌الامر زمان خویش پیروی کنند؛(یا ایها الذین آمنوا اطیعوا اللّه و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم...)همان‌گونه اجماع مفسران شیعه و جمعی از مفسران اهل سنت تصریح کرده‌اند، فرمان خداوند به پیروی بی‌قید و شرط مؤمنان از اولی‌الامر، بیانگر عصمت اولی‌الامر است. [۵۷] .هم چنین از دیدگاه سنت رسول خدا و دلایل عقلی، این امر مسلم است که مصداق اولی الامر در هر عصری یک نفر بیش‌تر نمی‌تواند باشد. [۵۸] .از آن جا که امر خلافت و امامت در جامعهِ اسلامی تا قیامت به قریش اختصاص دارد [۵۹] ، بدین جهت مصداق اولی الامر باید فردی از تبار قریش و از دودمان رسول خدا (ص) باشد. هم چنین نظر به این که واژهِ «اَمر» در کلمهِ اولی الامر به معنای خلافت است [۶۰] ، باید مصداق اولی الامر کسی باشد که در سنت رسول خدا برای او ادعای خلافت شده و از خلفای امت اسلامی به شمار آمده باشد.حال وقتی به جهان معاصر نگاه می کنیم، اولی الامری که از تبار قریش و دارای ویژگیِ عصمت باشد، در سراسر جهان یک نفر باشد، و برای او در احادیث صحیح رسول خدا ادعای خلافت شده و از خلفای امت اسلامی به شمار آمده باشد [۶۱] ، جز حضرت مهدی (ع) کسی دیگر نیست. اگر حضرت مهدی (ع) را مصداق آیه مورد نظر ندانیم، برای آیه در جهان معاصر مصداق دیگری نخواهیم یافت و این قبیح و محال است که خداوند به همهِ مؤمنان، در سراسر جهان و در اعصار و قرون مختلف دستور دهد که بی‌هیچ قید و شرطی از اولی‌الامر پیروی کنند، ولی در جهان خارج چنین اولی‌الامری وجود نداشته باشد. پس هیچ راهی وجود ندارد جز آن که حضرت مهدی (ع) را موجود و ایشان را مصداق اولی الامر در آیه مورد نظر بدانیم.

حدیث ثقلین

رسول گرامی اسلام در حدیث معروف ثقلین به صراحت اعلام داشته است که پس از خود، دو شییء گران‌بها در میان امت، باقی می‌گذارد؛ «کتاب خدا و اهل بیت ایشان». او تصریح کرده است که این دو هرگز از یکدیگر جدانخواهند شد تا در قیامت با هم در کنار حوض کوثر بر پیامبر وارد شوند؛ «و انهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض».با توجه به صراحت حدیث بالا، در همه روزگاران از درگذشت رسول خدا تا قیامت همان‌گونه که قرآن در میان جامعهِ اسلامی وجود دارد، فرد معصومی از اهل بیت آن حضرت نیز باید همراه قرآن باشد.ابن حجر هیتمی مکی پس از آوردن حدیث ثقلین، می‌نویسد:و فی احادیث الحثّ علی التمسک باهل البیت اشاره الی عدم انقطاع متأهل منهم للتمسک به الی یوم القیامه، کما ان الکتاب العزیز کذلک و لهذا کانوا اماناً لاهل الارض کما یأتی و یشهد لذلک الخبر السابق: فی کل خلف من امتی عدول من اهل بیتی. [۶۲] .احادیثی که ما را به تمسک به اهل بیت ترغیب می‌کند، اشاره دارد به این که همان‌طور که قرآن کریم همواره اهلیّت تمسک دارد، اهل بیت نیز این گونه‌اند و از آنان همواره کسی وجود دارد که از شایستگی و قابلیتِ تمسک برخوردار باشد. به همین خاطر است که اهل بیت مایهِ امان اهل زمینند و خبر گذشته که می‌گفت: «در میان هر نسلی از امتِ من افراد عادلی از اهل بیت من وجود دارند»، گواه این مدعاست.اکنون که به جهان اسلام نگاه می‌کنیم و آثار امت اسلامی را مورد بررسی قرار می‌دهیم می‌بینیم از میان اهل‌بیت پیامبر (کسی که به نص سخن آن حضرت جزو اهل بیت ایشان باشد) [۶۳] کسی جز حضرت مهدی (ع) باقی نمانده است.حال اگر فرض کنیم همان‌گونه که بخشی از دانشمندان اهل سنت می‌گویند حضرت مهدی متولد نشده باشد، از اهل بیت پیامبر کسی در جهان وجود نخواهد داشت. در نتیجه میان کتاب خدا و عترت پیامبر جدایی خواهد افتاد و سخن پیامبر در حدیث ثقلین تکذیب خواهد شد. حال آن که صحت حدیث ثقلین مورد پذیرش دانشمندان فریقین است و به صراحتِ حدیث یاد شده میان قرآن و عترت هرگز جدایی نخواهد افتاد.نتیجه آن که حضرت مهدی (ع) متولد شده و در جهان وجود دارد.او در میان جامعهِ اسلامی، تنها کسی است که از شایستگیِ لازم برخوردار است تا مصداق «ثقل اصغر» و همتای قرآن در حدیث ثقلین قرار گیرد.

خلیفه قریش تبار

در احادیث صحیح رسول خدا (ص) آمده است که خلافت پس از ایشان تا قیامت به قریش اختصاص دارد، و هیچ قوم و قبیلهِ دیگری را از آن بهره‌ای نیست؛لا یزال هذا الامر فی قریش ما بقی من الناس اثنان. [۶۴] .همواره خلافت در میان قریش است تا آن گاه که دو نفر انسان در جهان باقی باشند.هم‌چنین در سخنان پیامبر آمده است که عدد خلفای قریشی تبار برای کل امت اسلامی، دوازده نفر است.لا یزال الدّین قائماً حتی تقوم الساعهُ، او یکون علیکم اثنا عشر خلیفه کلهم من قریش. [۶۵] .همواره دین پابرجاست تا آن که قیامت فرا رسد، یا دوازده نفر خلیفه بر شما خلافت کنند که همگیِ آنان از قریشند.یا این سخن پیامبر:یکون لهذه الامه اثنا عشر خلیفه کلهم من قریش. [۶۶] .برای این امّت دوازده نفر خلیفه وجود خواهند داشت که همگی آنان از قریشند.تنها کسی که در عصر حاضر دارای شرایط بالا- است از تبار قریش و از دودمان رسول خدا، از امامان دوازده‌گانهِ اهل بیت پیامبر (و هم طبق نص سخن رسول خدا از خلفای امت اسلامی است) تنها، حضرت مهدی (ع) می‌باشد. اگر کسی حضرت مهدی (ع) را مصداق احادیث یاد شده نداند، برای احادیث، مصداق دیگری در جهان کنونی نخواهد یافت. چون در جهان اسلام به جز امام مهدی (عج) کس دیگری نیست که هم به نص احادیث رسول خدا از خلفای امت اسلامی باشد و هم از تبار قریش.در این صورت احادیث رسول خدا نیز تکذیب خواهد شد؛ در حالی که صحت احادیث رسول خدا مورد پذیرش فریقین بوده و ساحت مقدس پیامبر از دروغ منزه است.به همین دلیل، لازمهِ پای‌بندی به احادیث یاد شده این است که حضرت مهدی (ع) در جهان کنونی وجود داشته باشد تا مصداق این احادیث قرار گیرد.

ضرورت وجود امام در هر زمان

حافظان اهل سنت، از رسول خدا احادیث بسیاری نقل کرده‌اند که بر اساس آن در هر زمانی برای مسلمانان، امامی وجود دارد و آنان وظیفه دارند آن امام را بشناسند و بیعت او را به گردن بگیرند.تفتازانی از رسول خدا (ص) نقل کرده است:من مات و لم یعرف امام زمانِهِ مات میته جاهلیه. [۶۷] .هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.عبداللّه بن عمر از رسول خدا (ص) نقل کرده است:من مات بغیر امام مات میته جاهلیه.... [۶۸] .هر کس بمیرد بدون آن که امامی داشته باشد، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است.از حدیث‌های بالا به روشنی می‌توان به این نکته رسید که در هر زمانی برای جامعهِ اسلامی امامی وجود دارد که از نظر اهمیت، شناخت او عین دین و عدم شناخت او عین جاهلیت است. بی‌تردید مقصود از این امامان، حاکمان جور نمی‌توانند باشند؛ چون قرآن، مؤمنان را از نزدیک شدن به آنان برحذر داشته است؛ «و لاترکنوا الی الذین ظلموا فتمسکم النار». [۶۹] .از سوی دیگر، چنان‌که پیش‌تر دیدیم، خلافت بر امت اسلامی مخصوص قریش است. بنابراین، امامی که در روایات بالا نام برده شده باید قرشی باشد و امروز در میان امت اسلامی، تنها مذهبی که دارای امام و خلیفه‌ای قرشی است، مذهب شیعهِ امامیه است و این پیشوای قرشی، امام مهدی موعود (ع) است، کسی که به نص سخن رسول خدا، هم جزء اهل بیت آن حضرت است و هم جزء خلفای امت اسلامی.اگر کسی معتقد باشد که حضرت مهدی (ع) متولد نشده است، برای احادیث بالا مصداق و راه‌حلی نخواهد یافت و سخن رسول خدا نیز تکذیب خواهد شد. از آن جا که ساحت مقدس رسول خدا از هر دروغی منزه است، پس باید احادیث ایشان درست و دارای مصداق خارجی باشد و مصداق خارجیِ این سلسله از احادیث در جهان معاصر جز حضرت مهدی (ع) کس دیگری نمی‌تواند باشد.افزون بر مباحث گذشته، شماری از دانشمندان اهل سنت، مهدیِ مورد بشارت احادیث رسول خدا در آخرالزمان را همان امام دوازدهم شیعیان؛ یعنی فرزند امام حسن عسکری (ع) دانسته و به ولادت ایشان در سال ۲۵۵ ه (یا اندکی بعد) تصریح کرده‌اند. شماری از اینان عبارتند از:محی‌الدین ابن عربی [۷۰] ، عبدالوهاب شعرانی [۷۱] ، قرمانی حنفی [۷۲] ، گنجی شافعی [۷۳] ، حنفی قندوزی [۷۴] ، سبط ابن جوزی حنفی [۷۵] و....نظر دانشمندان یاد شده تنها با نظریهِ مهدویت شخصی سازگار است.

محدود کردن بیت امام حسن عسکری

تاریخ نشان می‌دهد که با نزدیک شدن روزگار ولادت حضرت مهدی (ع) حاکمان وقت محدودیت بیش‌تری برای امامان معصوم پدید آورده‌اند. به طوری که در روزگار امام هادی و امام عسکری، محدودیت‌های وضع شده از سوی حکومت برای این دو امام به اندازه‌ای رسیده بود که ارتباط مردم با این دو امام، به کم‌ترین اندازهِ ممکن کاهش یافته بود. حاکمان وقت جاسوسانی بر خانهِ امام حسن عسکری گمارده بودند تا زندگی آن حضرت را زیر نظر گرفته و به حکومت گزارش دهند. هدف از همهِ این اقدامات این بود که از ولادت مصلح کل جلوگیری کنند و به گمان خویش، حکومت‌های ستمگرانهِ خود را از قیام عدالت‌گستر آن مُنجیِ بزرگ ایمنی بخشند.این اقدام حاکمان، به درستی نشان می‌دهد که آنان مصداق احادیث مهدی را که رسول خدا به آمدن او بشارت داده بود، امام دوازدهم شیعیان، مهدی موعود فرزند امام حسن عسکری (ع) می‌دانستند. وگرنه، این همه اقدامات پیش‌گیرانهِ آنان برای جلوگیری از پدید آمدن چنین فردی معنا نداشت. [۷۶] .امام حسن عسکری (ع) نیز در مقابل حکومت اقدامات پیش‌گیرانهِ دقیقی به اجرا گذاشته بود تا فعالیت‌های حکومت را بی‌اثر کند؛ به گونه‌ای که ولادت حضرت مهدی به صورت کاملاً سرّی انجام پذیرفت بی‌آن‌که حکومت از این واقعه باخبر گردد.حضرت عسکری (ع) خبر تولد حضرت مهدی را چند روز پس از تولد ایشان به تنی چند از یاران خاص خود داد و از آنان نیز خواست که رازداری نمایند و از نقل آن برای دیگران

خودداری کنند.قرینهِ فوق به روشنی گواه مهدویت شخصی است؛ زیرا اگر مهدی، فردی نا معین بود، پدر و مادر او مشخص نبودند و تاریخ ولادت او نیز معلوم نبود. انجام تدابیر پیش‌گیرانه برای جلوگیری از ولادت آن حضرت از سوی حاکمان عباسی اقدامی منطقی و خردمندانه نبود.

مهدی منتظر در روایات رسول خدا

یکی از صفاتی که در روایات رسول خدا برای مهدی ذکر شده لقب «منتَظَر» است. منتظر یعنی کسی که مردم چشم به راه آمدن او هستند و این معنا با مهدی شخصی تناسب بیش‌تری دارد تا با مهدیِ نوعی. چون منتظر و چشم به راهِ کسی بودن، با شخصی که پیش‌تر متولد شده و زندگی می‌کند و مردم در انتظار آمدن او هستند سازگارتر است، تا کسی که هنوز متولد نشده و زمان ولادت او نیز روشن نیست. مجموعهِ دلایل و شواهد گذشته به روشنی نشان می‌دهد که مهدی، شخصیتی کاملاً شناخته شده است؛ این شخصیتِ بزرگِ الهی پیش از این متولد شده و هم اکنون جهان از فیض وجود او بهره‌مند است.

دلیل مهدویت نوعی

تنها دلیل طرفداران مهدویت نوعی، حدیثی است که ابی داود سجستانی در سنن خود نقل کرده استلو لم یبق من الدنیا الایوم لطوّل اللّه ذلک الیوم حتی یبعث فیه رجلاً من اهل بیتی یواطیِ اسمُه اسمی، و اسم ابیه اسم ابی. [۷۷] .اگر باقی نماند از دنیا جز یک روز، به طور حتم خداوند آن روز را (آن قدر) طولانی خواهد کرد تا مردی از اهل بیت مرا برانگیزد که نام او همانند نام من و نام پدرش همانند نام پدر من است.طرفداران نظریهِ مهدویّت نوعی می‌گویند: جملهِ «و اسم ابیه اسم ابی» نشان می‌دهد که مهدیِ مورد نظر در احادیث رسول خدا، امام دوازدهم شیعیان نیست، چون این مهدی نام پدرش عبداللّه است، ولی مهدیِ امام دوازدهم شیعیان نام پدرش حسن است. و این دو با هم تفاوت دارند.در پاسخ به هواداران نظریه یاد شده می‌گوییم:حدیث بالا را حافظان حدیث از طرق مختلفی نقل کرده‌اند. در دیگر طرق، جملهِ «و اسم ابیه اسم ابی» وجود ندارد و حدیث بدون این زایده، ذکر شده است تنها در یک نقل از نقل‌های حدیث، زایدهِ فوق دیده می‌شود.از جمله:۱.خود «ابی داود» در نقل دیگری حدیث یاد شده را بدون آن زیاده آورده است. [۷۸] .۲.«ترمذی» در صحیح خود همین حدیث را دو بار از دو طریق بدون زیادی فوق نقل کرده است. [۷۹] .۳. احمد بن حنبل حدیث را در کتاب خود، مسند، پنج بار با پنج سند، بدون زیادی فوق نقل کرده است. [۸۰] .۴. بزار در مسندش حدیث را چند بار از چند طریق، بدون زیاده نقل کرده است. [۸۱] .۵. ابو نعیم در حلیه الاولیاء حدیث را بدون آن زیاده ذکر کرده است. [۸۲] .۶. خطیب بغدادی نیز حدیث را بدون آن زیاده نقل کرده است. [۸۳] .چنان که می‌بینید از نقل‌های گوناگون حدیث، تنها در یک نقل آن، زیادهِ فوق وجود دارد و در دیگر نقل‌ها اثری از آن زیاده به چشم نمی‌خورد.از میان ۳۱ تن از حافظان بزرگ حدیث که حدیث مورد نظر را نقل کرده‌اند، تنها در نقل یک نفر از آنان زایده فوق‌الذکر دیده می‌شود و ۳۰ نفر دیگر حدیث را بدون آن زایده نقل کرده‌اند. [۸۴] .بدین سان برای افراد خردمند تردیدی باقی نمی‌ماند که آن زیاده هیچ اعتباری ندارد.البته احتمال دارد این زیاده از ساخته‌های بنی‌عباس باشد؛ چرا که این امر با رویهِ آنان در به خدمت گرفتن افراد دروغ‌گو برای جعل احادیثی که تأمین کنندهِ اهداف سیاسی آنان باشد سازگار است.شاید زیادهِ فوق از ساخته‌های پیروان عبداللّه محض باشد بدین گونه که آن‌ها برای پیشبرد دعوت به مهدویت فرزند او، محمد بن عبداللّه محض، ملقّب به نفس زکیه این انحراف را پدید آورده باشند. گواه این مدعا این که «محمد بن علی بن طباطبا» معروف به ابن طقطقی (متوفی ۷۰۹ ه) در تاریخ خود «الفخری فی الاداب السلطانیه و الدول الاسلامیه» [۸۵] آورده است:... و کان فی ابتداء الامر قد شُیّع بین الناس انّه المهدی الذی بُشّر به، و اثبت ابوه هذا فی نفوس طوائف من الناس. و کان یُروی ان الرسول (ص) قال: لو بقی من الدنیا یوم لطوّل اللّه ذلک الیوم حتی یبعث فیه مهدیّنا او قائمنا، اسمه

کاسمی و اسم ابیه کاسم ابی.در آغاز کار میان مردم شایع شده بود که نفس زکیه همان مهدی است که رسول خدا به آمدن وی بشارت داده است. پدر نفس زکیه نیز این مطلب را برای گروه‌هایی از مردم نقل و تأیید می‌کرد و روایت می‌نمود که رسول خدا فرموده است: «اگر از دنیا یک روز باقی بماند، خداوند آن روز را (آن قدر) طولانی خواهد کرد تا این که در آن روز مهدی و قائم ما را برانگیزد. نامش همانند نام من و نام پدرش همانند نام پدر من است».چنان که می‌بینید، در آن روزگار پدر نفس زکیه و طرفدارن وی حدیث پیامبر را با زیادهِ یاد شده نقل کرده و مصداق آن را محمد نفس زکیه می‌دانسته‌اند. پس این احتمال وجود دارد که زیادهِ یاد شده را آنان به حدیث مورد نظر افزوده باشند تا مهدویت نفس زکیه را اثبات کنند.از این گذشته، چنان که پیش‌تر دیدیم، دلایل گوناگونی ثابت می‌کرد که مهدی موعود، متولد شده و در میان جامعهِ اسلامی حضور دارد. جمعی از دانشمندان اهل سنت نیز به ولادت حضرت مهدی در سال ۲۵۵ ه (یا اندکی پس از آن) تصریح کرده و به صراحت اعلام داشته‌اند که او، همان مهدی موعودی است که رسول خدا آمدن او را بشارت داده است. همهِ عالمان و مورخان شیعه نیز آنان را در این عقیده همراهی کرده‌اند.هم چنین، روشن شد که مسئلهِ ولادت حضرت مهدی از پدر و مادری شناخته شده و در زمانی مشخص، مؤید نظریهِ مهدویت شخصی است و با مهدویت نوعی به هیچ روی سازگاری ندارد.نیز گفتیم: مهدویت نوعی پیامدهای منفی فراوانی نیز دارد؛ چون بر اساس آن در جهان کنونی، اولی الامری معصوم، امام و خلیفهِ قرشی‌تبار و فرد معصومی از اهل بیت که همراه قرآن باشد وجود نخواهد داشت. در نتیجه، شمار زیادی از احادیث صحیح رسول خدا تکذیب خواهد شد و از آن جا که ساحت مقدس رسول گرامی از هر گونه دروغی منزه است، پس باید اولی‌الامر معصوم، خلیفه‌ای قرشی‌تبار، و فرد معصومی از اهل بیت در جهان وجود داشته باشد. این فرد در روزگار حاضر مصداقی جز مهدی منتظر نمی‌تواند داشته باشد؛ تنها کسی که می‌تواند مصداق آیهِ اولی‌الامر و احادیث «ثقلین»، «سفینه»، «امامان اثناعشر»، «خلیفه قرشی» و «ضرورت وجود امام در هر زمان» باشد، مهدی موعود است.بدین‌سان در اسناد و مدارک و منابع امت اسلامی هیچ جایی برای اندیشهِ مهدویت نوعی که گروه بسیاری از دانشمندان اهل سنت آن را پذیرفته‌اند، وجود ندارد و مهدویّت شخصی، اصلی مسلّم و تردید ناپذیر است.

پاورقی

[۱] مسند، احمد ۱: ۳۷۶؛ مسند بزار ۱: ۲۸۱؛ سنن ترمذی ۴: ۵۰۵، باب ۵۲؛ طبرانی، معجم کبیر، ۱۰: ۱۶۵؛ تاریخ بغداد، خطیب ۴: ۳۸۸؛ الحاوی للفتاوی ۲: ۵۹؛ الطوسی، غیبه، ص ۱۱۳؛ کشف الغمه ۳: ۲۲۸؛ بحار ۵۱: ۷۵.

[۲] مسند، احمد ۱: ۹۹؛ مسند، بزار ۱: ۱۰۴؛ جامع الاصول، ابن اثیر ۱۱: ۴۹؛ سنن ابی داود ۴: ۱۰۷؛ الدّرالمنثور ۶: ۵۸؛ مستدرک حاکم ۴: ۵۵۷؛ تاریخ بخاری ۳: ۳۴۶؛ مجمع البیان ۷: ۶۷.

[۳] تاریخ بخاری ۳: ۳۴۶؛ سنن، ابی داود، کتاب المهدی، ۴: ۱۰۷؛ سنن ابن ماجه ۲: ۱۳۶۸؛طبرانی، معجم کبیر، ۲۳: ۲۶۷؛ مستدرک حاکم ۴: ۵۵۷؛ الصواعق المحرقه ص ۱۶۳؛ طوسی، غیبت، ص ۱۱۴؛ مجمع البیان ۷: ۶۷.

[۴] مسند، احمد ۱: ۸۴؛ تاریخ بخاری ۱: ۳۱۷؛ ابن ماجه، سنن، ۲: ۱۳۶۷؛ مسند، ابو یعلی ۱: ۳۵۹؛ کمال الدین ۱: ۱۵۲؛ دلائل الامامه، طبری ۲۴۷؛ کشف الغمه، اربَلی ۳: ۲۶۷.

[۵] مسند، احمد ۳: ۳۶؛ ابویعلی، مسند، ۲: ۲۷۴؛ مستدرک حاکم ۴: ۵۵۷؛ دلائل الامامه ص ۲۴۹، منتخب الاثر ص ۱۴۸؛ کشف الغمه ۳: ۲۵۸.

[۶] مسند، احمد ۳: ۲۸؛ مستدرک حاکم ۴: ۵۵۸؛ کشف الغمه ۳: ۲۵۸؛ بشاره المصطفی ص ۲۵۰.

[۷] مصنف، عبدالرزاق ۱۱: ۳۷۱؛ مستدرک حاکم ۴: ۴۶۵؛ شرح مقاصد ۱: ۳۰۷؛ الحاوی للفتاوی ۲: ۶۵؛ اثبات الهداه ۳: ۶۰۸؛ بحار ۵۱: ۱۰۴؛ مجمع الزوائد ۷: ۳۱۷.

[۸] ذخائر العقبی ص ۱۳۴، لسان المیزان ۵: ۲۳، جامع الصغیر، سیوطی ۲: ۶۷۲، الصواعق المحرقه ص ۱۶۴؛ فیض القدیر: مناوی ۶: ۲۷۹، نورالابصار ص ۱۸۷، کشف الغمه ۳: ۲۵۹.

[۹] مجمع الزوائد ۷: ۳۱۷؛ الحاوی للفتاوی ۲: ۶۲؛ البرهان، متقی هندی ص ۱۶۴؛ کشف الغمه ۳: ۲۶۲؛ اثبات الهداه ۳: ۵۹۵؛ بحار ۵۱: ۸۲؛ القول المختصر ص ۵. [

[۱۰] همان.

[۱۱] مسند، احمد ۳، ۳۸،۵، ۴۸، ۴۹، ۶۰، ۹۸، ۳۱۷، ۳۳۳؛ صحیح مسلم ۴: ۲۲۳۴؛ و ۲۲۳۵؛ مسند، ابو یعلی ۲: ۴۲۱؛ مستدرک حاکم ۴: ۴۵۴؛بیهقی دلائل‌النبوه، ۶: ۳۳۰؛طوسی امالی ۲: ۱۲۶، کشف الغمه ۳: ۲۷۲؛ اثبات الهداه ۳: ۵۱۸؛ بحار ۲۸: ۱۸.

[۱۲] سیوطی الحاوی للفتاوی، ۲ : ۶۵؛ جامع الصغیر ۲ : ۵۴۶؛ کنزالعمال ۱۴ : ۲۶۴؛ ینابیع الموده ص ۱۸۷؛ فیض القدیر ۶ : ۱۷؛ کشف‌الغمه ۳: ۲۶۴؛ اثبات الهداه ۳: ۵۹۶؛ بحار ۵۱: ۸۴.

[۱۳] ابن حجر، القول المختصر، ص ۱۹؛ طیالسی ابی‌داود، مسند، ص ۳۱۲، ۳۱۳؛ مستدرک حاکم ۴: ۴۵۲؛احمد، مسند، ۶: ۳۱۶؛ ابی داود، سنن،۴: ۱۰۷؛ مجمع الزوائد ۷: ۳۱۴؛ الدرّالمنثور ۵: ۲۵۱؛ عون المعبود ۱۱۳۰، ص ۳۷۵؛ کشف الغمه ۳: ۲۶۹؛ غیبت طوسی ص ۲۷۴.

[۱۴] عبدالعظیم بستوی، المهدی المنتظر فی ضوء الاحادیث و الاثار الصحیحه، ج ۱، ص ۱۳.

[۱۵] اثبات الوصیه، ص ۲۷۲.

[۱۶] عبدالوهاب شعرانی، الیواقیت و الجواهر، ۲: ۱۴۳.

[۱۷] مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول، ۲: ۱۵۲.

[۱۸] تذکره الخواص، ص ۳۲۵، بیروت، ۱۴۰۱.

[۱۹] البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۱۴۸.

[۲۰] فرائد السمطین، ۲: ۳۳۷، بیروت، ۱۴۰۰ ه.

[۲۱] الفصول المهمه ص ۲۸۸، مؤسسهِ اعلمی، بیروت.

[۲۲] الیواقیت و الجواهر، ۲: ۵۶۱.

[۲۳] اخبار الدُول، صص ۳۵۳ و ۳۵۴، فصل ۱۱.

[۲۴] ینابیع الموده، ج ۳، ص ۱۱۴، باب ۷۹.

[۲۵] عبدالعظیم بستوی، الاحادیث الوارده فی المهدی فی میزان الجرح و التعدیل، ۱: ۶۰.

[۲۶] مروج الذهب، ۴: ۱۹۹.

[۲۷] الکامل فی التاریخ، ۷: ۲۷۴.

[۲۸] الیواقیت و الجواهر، ۲: ۱۴۳.

[۲۹] تذکره الخواص، ص ۳۲۵.

[۳۰] الوافی بالوفیات، ۲: ۳۳۶.

[۳۱] الفصول المهمه، ص ۲۸۸.

[۳۲] الائمه الاثنا عشر، ص ۱۱۷.

[۳۳] الصواعق المحرقه، صص ۲۰۷ و ۲۰۸.

[۳۴] شذرات الذهب، ۲: ۱۴۱.

[۳۵] سبائک الذهب، ص ۳۴۶.

[۳۶] وفیات الاعیان، ۲: ۳۱۷.

[۳۷] مطالب السؤل، ۲: ۱۵۲.

[۳۸] تاریخ الخمیس، ۲: ۲۸۸.

[۳۹] وفیات الاعیان، ۲: ۳۱۷.

[۴۰] مطالب السؤل، ۲: ۱۵۳.

[۴۱] تاریخ الخمیس، ۲: ۲۸۸.

[۴۲] ابن کثیر، الملاحم و الفتن، ۱: ۳۰؛ منهاج السنه ۲: ۱۳۲؛ عقیده اهل السّنه و الاثر، سمهودی ص ۱۴۴.

[۴۳] الیواقیت و الجواهر، شعرانی ج ۲، ص ۵۶۲ چاپ بیروت، تذکره الخواص ص ۳۲۵؛ فرائد السمطین ۲: ۳۲۵ – ۳۲۶؛ ذخائر العقبی ص ۱۳۶ و ۱۳۷؛ القول المختصر ابن حجر ص ۷؛ سیره حلبی ۱: ۱۹۳؛ کشف الغمه ۳: ۲۵۹؛ الفصول المهمه ص ۲۹۵؛ دلائل الامامه، طبری ص ۲۳۴؛ البیان فی اخبار صاحب الزمان، گنجی شافعی ص ۱۱۹.

[۴۴] تاریخ بغداد، ۱: ۶۳؛ تاریخ دمشق، ۴: ۱۷۸ – ۱۷۹؛ مجمع الزوائد ۵: ۱۸۷؛ تهذیب تاریخ دمشق ۷: ۲۳۶؛ میزان الاعتدال ۱: ۸۹؛ الفتن، ابن حماد، ص ۱۱۰؛ مستدرک حاکم، ۴: ۵۱۴، بیهقی، دلائل‌النبوه، ۶: ۵۱۳.

[۴۵] محی‌الدین ابن عربی و عبدالوهاب شعرانی حنفی، الیواقیت و الجواهر ج ۲، ص ۵۶۲، ینابیع الموده، ج ۳، ص۱۶۶ باب ۹۴؛ تذکره الخواص ص ۳۲۵؛ اخبار الدول، قرمانی، ص ۳۵۳ و ۳۵۴.

[۴۶] در یکی از احادیثی که ابی داود در سنن خود نقل کرده، آمده است: عن النبی (ص) انه قال: لو لم یبق من الدنیا الایوم لطول اللّه ذلک الیوم حتی یبعث اللّه رجلاً منّی او من اهل بیتی یواطیء اسمه اسمی «و اسم ابیه اسم ابی» یملا الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً. (سنن ابی داود کتاب المهدی) حدیث بالا از راه‌های مختلفی نقل شده است. در بیش‌تر نقل‌های حدیث آمده است. «یواطئی اسمه اسمی» و جملهِ اضافهِ «و اسم ابیه اسم ابی» در آن دیده نمی‌شود. از جمله «ترمذی و احمد بن حنبل» حدیث نام برده را از راه‌های گوناگونی نقل کرده‌اند و در هیچ یک از نقل‌های آنان جملهِ اضافی «و اسم ابیه اسم ابی» وجود ندارد. (سنن ترمذی ج ۴، ص ۵۰۵، مسند احمد ۱: ۳۷۶، ۳۷۷، ۴۳۰، ۴۴۸) و تنها در یک نقل، زایدهِ فوق وجود دارد که به نظر می‌رسد حاکمان عباسی یا پیروان عبداللّه بن محض، پدر محمد نفس زکیه آن را ساخته و بر حدیث افزوده‌اند.

[۴۷] منهاج السنه، ابن تیمیه، ۴: ۲۱۱.

[۴۸] گفتنی است، در بحث گذشته ما در صدصد بیان همهِ موارد اتفاق و افتراق نبوده‌ایم، بلکه تنها به ذکر مواردی که از اتقان و شهرت بیش‌تری برخوردار است، بسنده نموده و از بیان دیگر موارد خودداری کرده‌ایم.

[۴۹] صحیح، مسلم، کتاب اماره، باب ۱، مسند احمد ۵: ۹۹.

[۵۰] مسند، احمد ۵: ۱۰۶، معجم کبیر، طبرانی، ۲: ۱۹۸؛ کنزالعمال ج ۱۲، ص ۳۳، الرساله.

[۵۱] سنن، ابی داود، کتاب المهدی.

[۵۲] تاریخ الخلفاء، ص ۲۰، دارالقلم، بیروت ۱۴۰۶ ه.

[۵۳] تفسیر ابن کثیر ج ۲، ص ۳۲، ذیل آیه و بعثنامنهم اثنی عشر نقیباً.، مائده: ۱۲.

[۵۴] ینابیع الموده، حنفی قندوزی، ج ۳، ص ۱۰۵، باب ۷۷.

[۵۵] صحیح، مسلم، کتاب فتن ۶۸۶۸۳، مسند، احمد ۳: ۵، ۳۷، ۴۹، ۶، ۹۶، ۳۱۷؛ کنزالعمال ج ۱۴، ح ۳۸۶۷۲ مسند، ابویعلی موصلی ۱: ۴۲۱؛ مستدرک حاکم ۴: ۴۵۴؛ درالمنثور ۶: ۵۸؛ الصواعق المحرقه ص ۱۶۴.

[۵۶] صحیح، مسلم، کتاب فتن، ۶۷۳؛ مستدرک حاکم ۴: ۴۵۴؛ کنز العمال ۳۸۶۵۹.

[۵۷] فخر رازی، تفسیرکبیر، ج ۴ ص۱۱۳؛ تفسیر المنار،ج ۵، ص ۱۸۱.

[۵۸] صحیح مسلم، کتاب اماره باب ۱۰، شرح صحیح مسلم، نووی ۱۲: ۴۷۴؛ احکام السلطانیه ماوردی ص ۹؛ المحلی، ابن حزم ۹: ۳۶۰؛ مجمع الزوائد ۵: ۳۵۹؛ سنن کبری بیهقی ۸: ۱۴۴؛ اتحاف الساده المتقین ۲: ۲۳۲.

[۵۹] صحیح مسلم، کتاب اماره باب ۱؛ صحیح بخاری ۴: ۲۱۸ و ۹: ۷۸ دارالجیل؛ فتح الباری ۱۳: ۱۱۴.

[۶۰] مرتضی عسکری، معالم المدرستین، ۱: ۱۶۲؛ صحیح بخاری، فتن باب ۲؛ صحیح مسلم، اماره باب ۸؛ الموطا، مالک، کتاب الجهاد باب ۱، سنن ابن ماجه، جهاد باب ۴۱؛ مسند احمد ۳: ۴۴۱ و ۳۱۶: ۳۱۴؛ فتح الباری ۱۳: ۸.

[۶۱] صحیح مسلم کتاب فتن ۶۸۳؛ مسند احمد ۳: ۵، ۳۷، ۴۹، ۶۰، ۹۶، ۳۱۷، ذ۳۳؛ مستدرک حاکم ۴: ۴۵۴؛ ابن اثیر، جامع الاصول، ۱۱: ۸۴؛ الحاوی للفتاوی ۲: ۶۰؛ الدرالمنثور ۶: ۵۸؛ الصواعق المحرقه ص ۱۶۴.

[۶۲] الصواعق المحرقه، ابن حجر، ص ۱۵۱، چاپ مصر.

[۶۳] سنن ابی ماجه، کتاب الفتن، باب ۳۴؛ مسند احمد ۱: ۸۴؛ مستدرک حاکم ۴: ۵۵۷؛ درالمنثور ۶: ۵۸؛ المصنف ابن ابی شیبه ۱۵: ۱۹۷؛ الحاوی للفتاوی سیوطی ۴: ۲۲۴؛ کنز العمال ۱۴: ۲۶۴ مؤسسهِ الرساله.

[۶۴] صحیح مسلم، کتاب اماره باب ۱؛ فتح الباری ۱۳: ۱۱۷؛ سنن بیهقی ۸: ۱۴۱؛ المحلی ابن حزم ۹: ۳۵۹.

[۶۵] صحیح مسلم، کتاب اماره باب ۱؛ مسند احمد ۵: ۹۹.

[۶۶] مسند احمد ۵: ۱۰۶، معجم کبیر طبرانی ۲: ۱۹۸، کنز العمال ج ۱۲ ص ۳۳ الرساله.

[۶۷] شرح المقاصد، ج ۵ ص ۲۳۹، انتشارات رضی قم.

[۶۸] مسند ابی داود طیالسی ص ۲۵۹، دار المعرفه، مسند احمد ۳: ۴۴۶؛ تاریخ بخاری ۶: ۴۴۵؛ معجم کبیر طبرانی ۵: ۲۲۴.

[۶۹] سوره هود، آیه ۱۱۳.

[۷۰] الیواقیت و الجواهر، شعرانی ۲: ۱۴۳.

[۷۱] همان.

[۷۲] اخبار الدُول ص ۳۵۳ و ۳۵۴، فصل ۱۱.

[۷۳] البیان فی اخبار صاحب الزمان ص ۱۴۸، باب ۲۵.

[۷۴] ینابیع الموده ج ۳ ص ۱۱۴ باب ۷۹.

[۷۵] تذکره الخواص ص ۳۲۵.

[۷۶] ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۳۶، مؤسسهِ آل البیت ۱۴۱۳ ه.

[۷۷] سنن ابی داود، کتاب المهدی.

[۷۸] سنن ابی داود کتاب المهدی.

[۷۹] سنن ترمذی ج ۴ ص ۵۰۵.

[۸۰] مسند احمد ج ۱ ص ۳۷۶، ۳۷۷، ۴۳۰، ۴۴۸.

[۸۱] مسند بزار ج ۱ ص ۲۸۱ و ۲۸۴.

[۸۲] حلیه الاولیاء ج ۵ ص ۷۵.

[۸۳] تاریخ بغداد ج ۴ ص ۳۸۸.

[۸۴] گنجی شافعی، البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۹۶.

[۸۵] الفخری ص ۱۶۵ و ۱۶۶، چاپ رضی قم ۱۴۱۴ ه.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹